



امام مہدی

وآیندہ زندگی

مہدی حکیمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مہدی (عج)

و

آیندہ زندگی

گردآوری و تنظیم:

مہدی حکیمی

حکیمی، مهدی،

امام مهدی (عج) و آینده زندگی / گردآوری و تنظیم: مهدی حکیمی. - مشهد:
شرکت به نشر، ۱۳۸۱.

۷۲ ص. (شرکت به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی، ۴۴۷)

ISBN 964-333-611-5

شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۶۱۱-۵

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. قرآن ۲. احادیث. ۳. مهدویت - انتظار - احادیث الف. ائمه معصومین

علیهم السلام ب. شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی). ج. عنوان.

کلام ائمه علیهم السلام

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱ / ح ۲۱۹



انتشارات آستان قدس رضوی

۴۴۷

مجموعه آینده شناسی و انتظار:

امام مهدی (عج) و آینده زندگی (۱)

گردآوری و تنظیم: مهدی حکیمی

زیر نظر: استاد محمد حکیمی

ویراسته حمیدرضا نگهبان

چاپ اول / ۱۳۸۱

۲۰۰۰ نسخه / رقعی

چاپ: گلنشر

شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۶۱۱-۵

حق چاپ محفوظ است.

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی: مشهد ص. پ ۴۹۶۹ / ۹۱۳۷۵، تلفن ۷-۸۵۱۱۱۳۶، ۸۵۱۱۱۷۰،

دفتر تهران: ۸۹۶۲۳۰۱، ۸۹۶۰۶۲۰ - دفتر اصفهان: ۶۷۳۶۷۶

فهرست مندرجات

۹	پیشگفتار
۱۳	بخش نخست - بشارتها (۱)
۱۵	در آیین زرتشت
۱۷	در عهد عتیق (تورات)
۱۹	در عهد جدید (انجیل)
۲۱	در آیین هندیان
۲۳	بخش دوم - بشارتها (۲)
۲۵	امام مهدی (عج) در قرآن
۲۶	امام مهدی (عج) در سخن پیامبر (ﷺ)
۲۷	امام مهدی (عج) در سخن حضرت فاطمه (س)
۲۸	امام مهدی (عج) در سخن امامان
۲۸	۱- امام علی (علیه السلام)
۲۸	۲- امام حسن (علیه السلام)
۲۹	۳- امام حسین (علیه السلام)
۲۹	۴- امام سجّاد (علیه السلام)
۲۹	۵- امام باقر (علیه السلام)

۳۰ ۶- امام صادق (علیه السلام)
۳۰ ۷- امام کاظم (علیه السلام)
۳۰ ۸- امام رضا (علیه السلام)
۳۱ ۹- امام جواد (علیه السلام)
۳۲ ۱۰- امام هادی (علیه السلام)
۳۲ ۱۱- امام حسن عسکری (علیه السلام)
۳۳ بخش سوم - میلاد موعود
۴۳ بخش چهارم - برنامه های امام مهدی (عج)
۴۵ ۱. عدالت اجتماعی
۴۷ ۲. در سایه شمشیر
۴۸ ۳. یک دین و یک آئین
۵۰ ۴. رفاه اقتصادی و بهبود زندگی
۵۱ الف - برقراری عدالت اجتماعی :
۵۱ ب - اجرای اصل مساوات :
۵۱ ج - عمران و آبادی زمین :
۵۲ د - بازپس گیری ثروت های غصب شده :
۵۲ ه - کنترل و نظارت دقیق مرکزی :
۵۲ ۵. مساوات و برابری
۵۴ ۶. حاکمیت فراگیر جهانی
۵۶ ۷. حکومت مستضعفان
۵۷ ۸. رشد علم و فرهنگ
۵۹ ۹. امنیت اجتماعی
۶۱ ۱۰. رشد تربیت انسانی

- ۱۱ . سامان یابی زندگی ۶۲
- الف - گسستن روابط انسانی : ۶۴
- ب - گسستن روابط خانوادگی : ۶۵
- ج - انگیزه های غیر انسانی در روابط اجتماعی : ۶۵
- د - روابط سودجویانه : ۶۵
- هـ - نابودی عبادات : ۶۶
- ۱۲ . روش زندگی امام موعود (عج) ۶۶

پیشگفتار

«... و اکنون من مرتکب این گناه نمی شوم که اعتقادم را نسبت به انسان از دست بدهم، و شکست کنونی بشریت را شکست نهایی بشمارم. من به آینده می نگرم، و زمانی را در نظر می آورم که این فاجعه عظیم به پایان می رسد. تاریخ ورق می خورد، و آسمان دوباره سبک می گردد، و از شهوات تهی می شود... شاید سپیده این صبح روشن، فردا از افق این سو - از افق شرق - برخیزد، که خورشید نیز از آن جا می دمد. و در آن هنگام انسان شکست نیافته... میراث از چنگ رفته خود را دوباره به چنگ خواهد آورد.»^۱

تاگور

«شاعر و نویسنده بزرگ هندی»

انسان میان گذشته و آینده و دیروز و فردا زندگی می کند و شخصیت و هستی او، به گذشته و آینده بستگی دارد؛ چنان که اگر از گذشته اش بریده شود یا از آن بی خبر باشد دچار کمبود می شود و نمی داند چگونه به وجود آمده و چگونه زندگی کرده است، زادگاهش

کجاست و تاریخش چیست؟ و خانواده اش کیست؟ همچنین اگر نسبت به آینده خود و همهٔ هموعان انسانی اش، شناختی - اگرچه اندک - نداشته باشد و نداند که او و سایر انسانها به کدام راه می روند و چه سرنوشتی در انتظار آنان است و آینده آنان چگونه است، به سردرگمی و سرگردانی دچار می شود.

گذشته شناسی با علم تاریخ است. آینده شناسی در پرتو پیش بینیهای دینی روشن می شود و گهگاه آینده نگرهای انسانی، سایه روشنی نسبت به آینده پدید می آورد. آینده شناسیهای انسانی چون دلیل روشنی در دست ندارد احتمالی و فرضی است و چه بسیار که این گونه پیش گوئیهها نادرست از کار درآید.

امام علی (علیه السلام):

بدانید که در فردا [حوادثی پدید می آید] و در آینده مسائلی رخ خواهد داد که برای شما ناآشنا و ناشناخته است...^۱

اما آینده شناسیهای دینی، که پیامبران و امامان آگاه و راستگو آن را پیشگویی کردند و با علم خدایی سخن گفتند، موجب آرامش فکر و اطمینان انسان می شود چون پیامبران و امامان بارها و بارها پیشگوییهای کردند و همه راست و درست درآمده است. از این رو، آنچه آنان دربارهٔ آینده می گویند، حتمی است.

آینده شناسی، موضوعی است که برای همهٔ انسانها لازم

است؛ لیکن برای جوانان و نوجوانان از اهمیتی بیشتر برخوردار است، زیرا افراد سالخورده و کهنسال بیشترین بخش عمرشان را گذرانده‌اند و تنها بخش اندکی از زندگی‌شان باقی مانده است. اما نوجوانان و جوانان بیشترین بخش عمرشان باقی مانده و در آینده است و آینده بیش از نیم قرن عمر آنان را تشکیل می‌دهد. از این رو، باید بیشتر بررسی کنند که در آینده چه مسائلی رخ خواهد داد و چه پیشامدهایی در سر راه انسان قرار خواهد گرفت. شاید در آینده زندگی یک نوجوان یا جوان، همان حوادث بزرگ را که پیشگویی کردند پدید آید و اوضاع جهان دگرگون شود و حکومت‌های ظلم و اژگون شوند و حکومت و دولتی خدایی آشکار گردد و همه انسانها را به طور مساوی بنگرد و ظلمها را نابود سازد و برابری و برادری میان همه مردم پدید آورد. همه افراد انسانی را چون یک خانواده به هم مهربان کند و این همه مشکلات را برطرف سازد.

نوجوان و جوان باید به چنین روزهایی که ممکن است در آینده زندگی او رخ دهد، توجه داشته باشد و خود را برای آن دوران و شرایط آن آماده کند. چون در هر اجتماعی شرایطی برای زندگی وجود دارد و شرایط آینده که دوران ظهور حق و عدل است شرایط ویژه دارد و انسان باید شایستگی زندگی در آن زمان را داشته باشد. به ویژه اگر بخواهد فردی شایسته باشد، باید از هم اکنون با به کارگیری روشهای تربیتی و اخلاقی خود را شایسته بسازد. چون اخلاقیات زشت و غیرانسانی یا اخلاقیات زیبا و انسانی، کم کم در انسان به وجود می‌آید و انسان را بالا می‌برد یا پایین می‌آورد. یکباره یک نوجوان یا جوان، نیک و نیک رفتار نمی‌شود، این صفتها همه، به تدریج و با مواظبت و تربیت در آدمی پدید می‌آید. بنابراین،

برای شرکت در جامعه آینده که جامعه انسانی و اسلامی کامل است و همه رفتارها و کردارها نیک و زیباست، باید از هم اکنون آماده شد و با نیکی و اخلاق انسانی و تربیت درست خو گرفت و عادت کرد و خوبیها را به صورت عادتهایی در روح جایگزین ساخت تا آنگاه که انقلاب جهانی امام مهدی (عج) رخ داد، جوانان و نوجوانان شایستگی شرکت در آن دوران را داشته باشند.

در گفتار معصومان رسیده است که یاران حضرت مهدی (عج) جوانان هستند و سالخوردهگان، میان یاران حضرت چون نمک در غذا اندکند.

امام علی (علیه السلام):

یاران مهدی (عج) جوانان هستند که سالخورده‌ای میان آنان نیست مگر به مقدار سُرْمه در چشم و نمک در غذا، و کمترین بخش غذا نمک است.^۱

از این حدیث معلوم می‌شود که جوانان، بیشتر باید آینده‌شناس باشند و ضوابط و مقررات آن را خوب بدانند و بیش از همه، خود را برای آینده بسازند و فداکار بار بیاورند. این رساله کوچک اگر راه آینده‌شناسی را کمی روشن کند و در این راه اندکی موفق شود، مایه خرسندی است.

۱. محمد حکیمی: عصر زندگی، چاپ دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۸۷.

بخش نخست:

بشارتها (۱)

در آیین زرتشت

(۱) «پیامبر عرب» آخرین فرستاده است که از میان کوههای مکه ظاهر شود... از فرزندان پیامبر شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جدّ خود می باشد... از عدل او گرگ با میش آب می خورد و همه جهان به آیین «مهرآزمای» (محمد) خواهند گروید.^۱

(۲) سوشیانس (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را در جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.^۲

(۳) به راستی سوشیانتها رها کنندگان گیتی، از دانش و بینش برخوردار بوده، وظیفه خود را با الهام از منش پاک انجام خواهند داد. آنها

۱. داود الهامی و علی اکبر مهدی پور؛ او خواهد آمد، نشر مرتضی، چاپ هشتم، ص ۶۸؛ به نقل از کتاب جاماسبنامه.

۲. همان، ص ۷۰؛ به نقل از جاماسبنامه.

کردارشان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته و رفتارشان با آموزشهای تو ای
مزدا هماهنگی دارد. آنان به درستی از بین برندگان خشم و نفرت و
پدیدآورندگان مهر و آشتی می باشند. - آنان برای درهم شکستن خشم
برانگیخته شده اند...^۱

۱. اوستا، یسنا، هات ۴۸، بند ۱۲.

در عهد عتیق (تورات)

(۱) ... قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرّش نمایند. صحرا و هرچه در آن است به وجد آید. آن گاه تمام درختان جنگل ترنّم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. و قومها را به امانت خود.^۱

(۲) ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده، و عدالت خویش را به پسر پادشاه، و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود، و مساکین تو را با انصاف، آن گاه کوهها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورده و قله ها نیز عدالت. مساکین قوم را دادرسی خواهد کرده و فرزندان فقیر را نجات خواهد داده و ظالمان را زبون خواهد ساخت.^۲

(۳) و نهالی از تنه یسی (نام پدر داود) بیرون آمده، شاخه ای از

۱. عهد عتیق، کتاب مزامیر (زبور داود)، مزمور ۹۶، بندهای ۱۰-۱۳.

۲. همان، کتاب مزامیر، مزمور ۷۲، بندهای ۱-۴.

ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت ... مسکینان را به عدالت دآوری خواهد کرد. ... گریه با بره سکونت خواهد کرد، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری باهم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند ... و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.^۱

۱. همان، کتاب اشعیا نبی، فصل ۱۱، بندهای ۱-۱۰.

در عهد جدید (انجیل)

۱) کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید.^۱

۲) شما به صبر بیشتری احتیاج دارید تا اراده خدا را انجام داده، برکات موعود را به دست آورید. چنانچه کتاب مقدس می گوید: «دیگر طولی نخواهد کشید و آن که فرار است بیاید خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد.»^۲

۳) آن گاه آسمان را گشوده دیدم. اسب سفیدی در آن جا بود که نام

۱. عهد جدید، انجیل لوقا، فصل ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶.

۲. همان، عبرانیان، فصل ۱۰، بندهای ۳۶ و ۳۷.

سوارش امین و راست بود. او با عدالت داوری و جنگ می کند. چشمانش مانند شعله آتش بود، نیم تاجهای بسیار بر سر داشت و نامی بر او نوشته بود که هیچ کس جز خودش نمی توانست آن را بفهمد...^۱

۱. همان، مکاشفه یوحنا، فصل ۱۹، بندهای ۱۲ و ۱۳.

در آیین هندیان

۱) دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریاها و زمینها و کوهها، پنهان باشد همه را به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید.^۱

۲) پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور» باشد. تمام عالم را بگیرد، و به دین خود آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا بخواهد بیاورد.^۲

۳) چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای جهان، یکی ناموس آخرالزمان و دیگر وصی بزرگتر وی که «پشن» (نام هندی علی بن ابیطالب علیه السلام)

۱. او خواهد آمد، ص ۶۵؛ به نقل از کتاب «باسک».

۲. همان، ص ۶۶؛ به نقل از کتاب «دید».

نام دارد، و نام آن صاحب ملک تازه «راهنما» (هادی - مهدی) است، به حق پادشاه شود و خلیفه «رام» (به زبان سانسکریت «خدا») باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.^۱

۱. همان، ص ۶۶؛ به نقل از کتاب «دادتک».

بخش دوم:

بشارتها (۲)

امام مهدی (عج) در قرآن

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ، مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ.»^۱

- ما در زبور داوود، از پس ذکر (تورات)، نوشته ایم که سرانجام،
زمین را بندگان شایسته ما به ارث می برند (و بر همه کوه زمین حاکم
می شوند).

طبق فرموده پیشوای پنجم حضرت امام محمد باقر (علیه السلام)،
این بندگان شایسته که وارثان زمین شوند، اصحاب مهدی (عج)
هستند در آخر الزمان.^۲

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶.

۱. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

امام مهدی (عج) در سخن پیامبر (ﷺ)

پیامبر اکرم (ﷺ)

... خداوند از فرزندان حسین امامانی قرار داده است که راه و روش و آیین مرا برپا می دارند. نهمین آنان قائم خاندان من «مهدی» امتم می باشد. او شبیه ترین مردمان به من است در سیما و گفتار و کردار. پس از غیبتی طولانی و سرگردانی و سردرگمی مردم، ظاهر می شود، آن گاه آیین خدا را آشکار می سازد... پس زمین را از عدل و داد پر می کند پس از آن که از ستم و پیداد لبریز شده باشد.^۱

امام مهدی (عج) در سخن حضرت فاطمه (س)

جابر می گوید: خدمت حضرت فاطمه رفتم، لوحی نزد آن بانو نهاده بود که در آن نامه‌های امامان نوشته شده بود، از آن جمله درباره دوازدهمین امام چنین آمده بود: «پس از امام یازدهمین (امام حسن عسکری (ع)) راه امامت را کامل می کنم با فرزندش که رحمت برای همه جهانیان است. او (امام دوازدهم) دارای کمال موسی و شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است... در زمان [غیبت] این امام، دوستان من (دینداران راستین) به مشکلات گرفتار شوند... آنان به حق دوستان منند [چون در دینداری پایداری می کنند]. درود و رحمت خداوند بر آنان باد. آنان (مردمان در دوران غیبت) بی گمان هدایت شدگان و راه یافتگانند.»^۱

امام مهدی (عج) در سخن امامان

۱- امام علی (علیه السلام):

اصبغ نباته که از شاگردان و یاران آن حضرت است می گوید: روزی نزد امیر مؤمنان (علیه السلام) رفتم، دیدم در فکر فرو رفته است و با انگشت بر زمین خط می کشد. گفتم: ای امیر مؤمنان! چه شده است که در فکر فرو رفتید؟ ... امام فرمود: «در مولودی می اندیشم که از نسل من است و او «مهدی» است که زمین را از عدل و داد پُر می کند پس از آن که از ستم و بیداد پُر و لبریز شده باشد...»^۱

۲- امام حسن (علیه السلام):

«... [امام] قائم که [هنگام ظهورش]، حضرت عیسی از آسمان فرود می آید و پشت سر او نماز می گذارد... تولدش از مردمان پنهان است و از چشمها غایب می شود... او نهمین فرزند برادرم حسین است و فرزند بهترین زنان. عمری طولانی دارد و خداوند او را [در زمین] آشکار می سازد در

سیمای انسانی چهل ساله، تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری قادر است.^۱

۳- امام حسین (علیه السلام):

«اگر از دنیا یک روز [پیشتر] باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را دراز گرداند، تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد لبریز کند، پس از آن که از ستم و ظلم پُر شده باشد. این چنین از پیامبر شنیدم.»^۲

۴- امام سجّاد (علیه السلام):

«... بی تردید، مردم زمان غیبت مهدی، که امامت او را باور دارند و منتظر ظهور اویند، از مردمان دیگر زمانها برترند؛ چون خدای بزرگ به آنان عقل و درک و فهمی داده است که غیبت برایشان چون ظهور است. خداوند آنان را، در آن زمان، همپایه مجاهدان شمشیرزن زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داده است و اینانند اخلاص گزاران واقعی، و شیعیان راستین ما، و دعوت کنندگان مردم به خدا [و به دین خدا]، آشکار و پنهان.»^۳

۵- امام باقر (علیه السلام):

محمد بن مسلم (از شاگردان امام باقر و امام صادق (علیه السلام)) می گوید: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم درباره قائم که هرگاه قیام کند چه روشی در پیش می گیرد؟ امام فرمود: «روش پیامبر تا اسلام را حاکم سازد.» گفتم: روش

۲. همان، ۱/۳۱۸.

۱. کمال الدین، ۱/۳۱۶.

۳. منتخب الاثر، ص ۲۴۴.

پیامبر چه بود؟ امام فرمود: «آنچه در [نظامها و آیین] جاهلیت بود باطل کرد، و عدالت میان مردمان حاکم ساخت. و چنین است [امام] قائم (عج) آن گاه که قیام کند آنچه را [از راه و روشها میان مردم] در زمان پیش از ظهور رایج بوده است، زیر پا می نهد، و آیین دادگری را برپا می دارد.»^۱

۶- امام صادق (علیه السلام):

«کسانی که در حالت انتظار دولت قائم، از جهان درگذرند، مانند کسانی اند که در خدمت [امام] قائم باشند.» امام، پس از این سخن مکثی کرد، سپس گفت: «بلکه مانند کسانی اند که در رکاب [امام] مهدی شمشیر زده باشند.» سپس گفت: «نه به خدا سوگند، اینان مانند آن کسانی که در خدمت پیامبر به شهادت رسیده باشند.^۲ چشم به راه امر [قیام و انقلاب] امام خود باش، در هر شب و هر روز، زیرا که خدا در هر روز کاری کند و کاری، او را از کاری دیگر باز ندارد...»^۳

۷- امام کاظم (علیه السلام):

«... خداوند برای دوازدهمین [امام] از خاندان ما هر دشواری را آسان می گرداند، و به دست او هر جبار و زورگوی سرسختی نابود می شود، و هر شیطان سرکشی نابود می گردد.»^۴

۸- امام رضا (علیه السلام):

دعبل خُزاعی (شاعر نامدار شیعی) می گوید: قصیده خود را در

۱. تهذیب، ۱۵۴/۶. ۲. بحار الانوار، ۱۲۶/۵۲.

۳. مکالم المکارم، ۱۵۷/۲. ۴. کمال الدین، ۳۶۹/۲.

حضور امام رضا (علیه السلام) خواندم، چون به این شعرها رسیدم: امامی از آل محمد (صلی الله علیه و آله)، به یقین، خروج خواهد کرد، او به تأیید اسم اعظم الهی و برکت نصر آسمانی به پا می خیزد، و حق و باطل را از هم جدا می کند، و همه را بر شادخواریها و کین توزیها کیفر می دهد. [در این هنگام] امام رضا (علیه السلام) به شدت گریست؛ آن گاه فرمود: «ای دعبل! روح القدس به زبان تو سخن گفته است. آیا می دانی این امام چه کسی خواهد بود؟» گفتم: نه [شخص او را نمی شناسم]، لیکن شنیده ام که امامی از شما خاندان پیامبر خروج می کند و زمین را از عدل و داد لبریز می سازد.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «پس از من فرزندان محمد جواد امام است. پس از محمد فرزندش علی، امام است. پس از علی [هادی] فرزندش حسن، امام است و پس از حسن [عسکری]، فرزندش، حجت قائم خواهد بود.

«اوست که در زمان غیبت [مردمان] چشم به راه اویند، و در زمان ظهور همه مطیع او گردند. او زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد...»^۱

۹- امام جواد (علیه السلام):

عبدالعظیم حسنی (که از یاران آن امام است) می گوید: به امام جواد (علیه السلام) گفتم: امیدوارم شما قائم خاندان پیامبر باشی که زمین را از عدل و داد آکنده می کند... امام فرمود: «همه ما قائم به امر خدای بزرگیم... لیکن آن قائمی که خداوند به دست او زمین را از کافران و منکران پاک می گرداند و

سراسر گیتی را از عدالت سرشار می سازد، او کسی است که تولدش از مردم پنهان خواهد بود و خود او از چشمها غایب می شود...^۱

۱۰- امام هادی (علیه السلام):

«امام پس از من، فرزندانم حسن است و پس از حسن فرزندش [امام] قائم است که زمین را از عدل و داد پُر می کند، پس از آن که از ظلم و بیداد لبریز شده باشد.»^۲

۱۱- امام حسن عسکری (علیه السلام):

«سپاس خدایی را که پیش از مرگم جانشینم را به من نمایاند؛ جانشینی که شبیه ترین انسانها به پیامبر است در خلقت و اخلاق. خداوند او را در دوران غیبت [از بلاها] حفظ می کند، سپس او را آشکار می سازد. او سراسر زمین را از عدالت پُر می کند، پس از این که از ظلم و ستم لبریز شده باشد.»^۳

۲. همان، ۲/۳۸۳.

۱. کمال الدین، ۲/۳۷۸.

۳. همان، ۲/۴۰۹.

بخش سوم:

میلا د موعود

میلاذ موعوذ

نیمه شعبان، روز میلاذ امام زمان (عج) است. ماه شعبان هشتمین ماه از سال هجری قمری است. سال هجری، تاریخی است که مبدأ آن، هجرت پیامبر اکرم است از مکه به مدینه. سال هجری، دو گونه است: سال هجری شمسی (خورشیدی)، و سال هجری قمری. سال هجری قمری را «هلالی» نیز می گویند، زیرا که هر ماه آن با دیدن هلال آغاز می شود. سال قمری، ۱۲ ماه دارد، و از ماه محرم آغاز می گردد.

در روز پنجشنبه، پانزدهم ماه شعبان، در سال ۲۵۶ هجری قمری، حضرت حجت بن الحسن امام زمان (عج) تولد یافت. حضرت حجت، امام دوازدهم است، و فرزند امام یازدهم حضرت امام حسن عسکری است، و با سه واسطه، فرزند امام رضا، و با پنج واسطه، فرزند امام جعفر صادق، و با هشت واسطه، فرزند امام حسین و با نه واسطه، فرزند حضرت علی و فاطمه - دختر پیامبر اکرم و مادر امامان - می باشد.

امام دوازدهم، حضرت حجت (عج)، به این نامها نیز خوانده می شود:

مهدی

مهدی موعوذ

قائم موعود
 منتقم
 امام منتظر
 امام غایب
 صاحب الامر
 صاحب الزمان
 ولی عصر

چون او و ظهور او وعده داده شده است، و خدا و پیامبران و اولیا و پیامبر اکرم (ﷺ)، وعده داده اند که او می آید و جهان را پر از عدل و داد می کند، «موعود» نامیده شده است.

چون برای نشر دین حق و برپا داشتن عدالت قیام می کند و به پا می خیزد، «قائم» نامیده شده است.

چون انتقام انبیا و مردان خدا را از جباران می گیرد و هم انتقام بشریت را و انتقام خونهای پاک مردان حق و انسانهای بزرگ و شهدای راه حق و عدالت را، «منتقم» نامیده شده است.

چون مسلمانان در انتظار اویند، بلکه بشریت - در شعور معقول و وجدان اجتماعی خویش - چنان معلم و نجات دهنده ای را می طلبد و انتظار می کشد، «منتظر» نامیده شده است.

و چون از دیدگان عموم پنهان است، «امام غائب»، و چون او صاحب امر خدا است، «صاحب الامر»، و چون صاحب زمان است، به ولایت خدایی، «صاحب الزمان»، و چون ولی خدا در این عصرها و روزگاران اوست، «ولی عصر» نامیده شده است.

چنان که گفتیم، یکی از نامهای امام زمان، «موعود» است. باید

دانست که موعود، در ادیان آسمانی دیگر نیز وجود داشته است؛ بدین معنا که برخی از پیامبران، پیامبر و معلم و مصلحی را که از آن پس می آمده است معرفی می کرده و ذهن جامعه را برای پذیرش پیامبر و مصلح بعدی آماده می ساخته اند. موعود موسی (یعنی کسی که حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، آمدن او را خبر داده بوده است) حضرت عیسی است. موعود حضرت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، حضرت احمد (احمد، فارقلیط) است - چنان که در قرآن مجید تصریح شده است.^۱ نیز اتفاق می افتاده است که پیامبران گذشته، به آمدن موعود آخرالزمان - یعنی مهدی موعود - اشاره می کرده اند.^۲

این گونه بوده است تا به هنگام ظهور دین اسلام، در دین اسلام، «موعود» به طور دقیق، معین و معرفی گشت - یعنی مهدی آخرالزمان - . در این جا باید در نظر داشته باشیم که مسأله مهدی (عج) و ظهور و قیام او، موضوعی نیست که فقط به کسانی که دارای مذهب تشیعند مربوط باشد، بلکه این موضوع، یک مسأله اسلامی است. خود پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بارها آمدن مهدی را در آخرالزمان، و این که مهدی از اولاد علی و فاطمه است، فرزند بی واسطه امام حسن عسکری است، و قیام نهایی دین و توحید به دست او است، مژده داده و گوشزد کرده است. در قرآن کریم نیز آیات چندی است که حتی مفسران اهل سنت، آن آیات را مربوط به ظهور مهدی دانسته اند.^۳ و به همین مناسبت که در احادیث و گفته های پیامبر اکرم، سخن از مهدی بسیار آمده است، علمای اهل سنت، در بیشتر از ۲۰۰ کتاب از کتابهای معتبر

۱. صف (۶۱)، آیه ۶. ۲. کتاب بشارات عهدین را بخوانید.

۳. مانند آیه ۵۴، از سوره مائده (۵)؛ و آیه ۱۰۵، از سوره انبیاء ۲۱؛ و آیه ۵، از سوره قصص

خویش، مناقب مهدی، و مسائل مربوط به مهدی، و چگونگی ظهور او، و شرایط نزدیک یا مقارن زمان ظهور او را ذکر کرده اند و بیش از ۳۰ کتاب، ویژه «مهدی» تألیف کرده اند.

نیز به همین دلیل است که در تاریخ می نگریم که از حدود ۱۵۰ سال پیش از ولادت مهدی (مثلاً از سال ۱۳۲ هجری، آغاز خلافت عباسی به بعد)، کسانی ادعا می کرده اند که همان مهدی که پیامبر گفته است ایشانند. و این به علت شیوع مسأله مهدی بود، از زمان خود پیامبر، و از زبان او. پس اصل مسأله مهدی، و خروج او در آخر الزمان (برای اصلاح جهان و خوار ساختن جباران، و انتقام گرفتن از ستمگران و عزت بخشیدن به محرومان و زیردستان و اجرا کردن کلیه احکام قرآن) جزو تعالیم اسلام است، و مؤدّه این خروج را خود پیامبر اکرم (ﷺ) داده است. و از این جهت همه فرقه های مسلمان به اصل مسأله «مهدی» معتقدند.

چنان که گفتیم، بر مبنای بشارات کتابهای پیشینیان و روایات اسلامی، اشتهار یافته بود که از امام حسن عسکری (علیه السلام)، فرزندی به وجود می آید که برهم زنده اساس حکومتها و واژگون کننده تاج و تختها و دولتهاست. از این رو، زندگانی حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)، از مدتها قبل مورد مراقبت کامل بود و از طرف دربار عباسی سعی می شد تا از تولد این کودک آگاه شوند، و از زنده ماندن او جلوگیری کنند. از طرف خود امام حسن و خاندانش (علیه السلام) نیز کوشش می شد تا ولادت مهدی (عج)، همچنان پوشیده بماند. لیکن، به هنگام رحلت امام یازدهم، اخبار داخله آن امام - از جمله وجود این فرزند - به دربار عباسی رسید. از این رو، بی درنگ، از سوی خلیفه عباسی المعتمد، دستور هجوم به خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) و تفتیش آن، و جلب و احیاناً قتل فرزند او مهدی، صادر شد، و مأموران

به خُانهٔ امام ریختند ... این جا بود که ضمن مقارناتی، علل ناپدید شدن امام فراهم آمد، و دوازدهمین پیشوای شیعه به فرمان الهی از نظرها پنهان گشت ...^۱

دانشمندان مسلمان، راجع به حضرت مهدی (عج) و مسألهٔ طول عمر او و فواید وجودی او، در حال غیبت، و مسائل مربوط به خروج او، سخنان بسیار گفته اند. همین گونه عرفا و فلاسفه، به تصریح و اشاره، بدین مسأله توجه داده اند؛ مانند محیی الدین ابن عربی، در کتاب «فتوحات مکیه»، و ابن سینا، در کتاب عظیم خود «شفا». یکی از دانشمندان و ریاضیدانان و متفکران بزرگ، خواجه نصیرالدین طوسی نیز، دربارهٔ «مهدی» چنین می گوید:

حرمان خلق از امام و علت غیبت او چون معلوم است که از جهت خدای - سبحانه - نباشد و از جهت امام نبود، پس لابد از جهت رعیت بود. و تا آن علت زایل نشود، ظاهر نگردد. و استعباد از درازی عمر حضرت مهدی - (عج) - نمودن، چون امکانش معلوم است و از غیر او متفق^۲،^۳ جهل محض بود.

باید بدانیم که در زمان غیبت حضرت حجت (عج)، مسلمان نباید در انجام دادن تکالیف خود کوتاهی کند. همهٔ دستورات دین، در این زمان نیز، به حال خود باقی است. واجب، واجب است و حرام، حرام - به ویژه

۱. شرح بیشتری در این باره، در کتاب خورشید مغرب آمده است.

۲. یعنی: اتفاق افتاده، واقع شده. اشاره است به عده ای از اشخاص که عمر بسیار کرده اند و شرح حالشان در تواریخ آمده است.

۳. فصول نصیریّه، ص ۳۸، چاپ دانشگاه تهران.

تکالیف و وظایف اجتماعی. مثلاً اگر در جامعه‌ای فساد رایج شد و ظلم پا گرفت، مسلمان نمی‌تواند بگوید بگذار باشد، امام زمان می‌آید و درست می‌کند و اصلاح می‌فرماید. آنچه امام زمان درست می‌کند و اصلاح می‌فرماید، تکلیف دینی خود آن امام است که از لحظه و روز ظهور او شروع می‌شود. تا پیش از آن لحظه و آن روز، هر مسلمانی به همه تکالیف خود مکلف است. همین‌طور که باید نماز بخواند و روزه بگیرد، باید امر به معروف و نهی از منکر کند، با ظلم و ظالم بستیزد، به دادِ مظلوم برسد، برای از بین بردن ستم و برپا داشتن عدل و داد بکوشد، و ... و ...

جوانان عزیز، درباره حضرت حجت (عج) و مسائل مربوط به ایشان و آینده جهان از نظر مذهب، و تحلیل دقیق فلسفه انتظار، می‌توانند این کتابها را بخوانند:

۱- آینده جهان از نظر مکتب ما.

۲- انتظار، مذهب اعتراض.

۳- دادگستر جهان.

۴- در فجر ساحل.

۵- خورشید مغرب.^۱

در پایان این گفتار، یکی از مشهورترین سخنان پیامبر (ﷺ) را که درباره مهدی (عج) فرموده است، و علمای مذاهب اسلامی نقل کرده‌اند، نقل می‌کنیم؛ سخنی که از نظر دینی و اعلام نمودن شخص پیامبر (ﷺ)، قطعیت مسأله را می‌رساند:

اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خدا همان یک

۱. و نیز کتابهای: ۱- عصر زندگی. ۲- انتظار در اندیشه‌ها.

روز را آن قدر طولانی و دراز می کند تا مهدی - فرزند من - ظاهر شود و جهان را، در حالی که از ستم پر شده باشد، از عدالت و دادگری پر کند.

و چنان که می نگریم، مسیر کلی بشر، از نظر فقدان عنصر معنوی در حرکتها و زندگیها، رو به حالتی است که در نهایت - چنان که پیامبر گفته است - نیاز به کسی که بتواند اصلاحی همه جایی و همگانی پدید آورد و این همه ستمها و اختلافها را بر طرف سازد و معنویت را به زندگی بشر بازگرداند، محسوس است.^۱

۱. این بخش با اجازه استاد علامه محمدرضا حکیمی، از کتاب «بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی» ایشان آورده شده است.

بخش چهارم:

برنامه‌های امام مهدی (عج)

«روزی عالمیان همه، دست برادری و مساوات به هم خواهند داد و آن روز است که بدبختی و تیره روزی بر عرصه جهان یافت نخواهد شد.»^۱

۱. عدالت اجتماعی

امام صادق (علیه السلام):

مهدی، عدالت را، همچنان که سرما و گرما وارد خانه می شود، وارد خانه های مردمان می کند، و دادگری او همه جا را فرا می گیرد.^۲

گسترش عدالت در سراسر جهان و ریشه کنی بیداد از همه آبادیهای زمین، از نخستین برنامه های انقلاب امام مهدی (عج) می باشد و از هدفهای اصلی آن امام بزرگ و نجات بخش است. این موضوع در بشارتها و احادیثی

۱. ویکتور هوگو: بینوایان، ۸۸/۱، ترجمه حسینعلی مستعان.

۲. بحارالانوار، ۳۶۲/۵۲.

که درباره آن حضرت رسیده خیلی روشن یاد شده است. در سخنان پیامبر بزرگوار اسلام و امامان معصوم که درباره قیام امام دوازدهم آمده، دعوت به توحید و مبارزه با شرك و كفر به اندازه ایجاد عدالت و اجرای آن، مورد تأکید قرار نگرفته است. علت این موضوع شاید این باشد که با آموزشهای پیامبران گذشته و به ویژه پیامبر ما و دین اسلام، همچنین رشد علم و آگاهی بشر، انسانها به خدای یکتا ایمان می آورند و اندیشه خدانشناسی شکست می خورد، و نوع جامعه های انسانی دارای عقیده مذهبی و خدایی می گردند؛ لیکن با این وصف در آتش ظلم، حقکشی و کینه توزی و روابط غیرانسانی می سوزند، و با زندگی بی عدالت که در حقیقت شکنجه و مرگ تدریجی است، دست به گریبانند. از این رو، نیاز عمده جامعه بشری برقراری عدالت و دادگری است و حاکمیت روابط انسانی بر جامعه. انسانها تشنه عدالتند و خواهان آیین و دینی که این تشنگی را فرو بنشانند و آتش بیدادگری را خاموش کند، و عدالت واقعی را به وجود آورد که همه مردم، بزرگ و کوچک و ضعیف و قوی، آن را آشکار ببینند.

بنابراین، مشکل اصلی و نخستین آن نجات دهنده بزرگ انسان، مشکل خدا باوری یا انکار خدا نیست؛ بلکه مشکل اصلی ظلم و ستم جهانسوز و همه جایی است که بشریت را در کام خود فرو برده و در آتش خود سوزانده است و دین و عقیده و آزادی و خواب و خوراک و آسایش و همه چیز انسان را نابود ساخته است. به این جهت، امام مهدی (عج) که آخرین نجات دهنده انسانهاست پس از ظهور مبارک خویش، اصول عدالت و دادگری را در میان همه انسانها برقرار می سازد و همه مردم را از بدی و آزاررسانی و زشتی و محرومیت رهایی می بخشد.

۲. در سایه شمشیر

امام باقر (علیه السلام):

... قائم آل محمد (ﷺ) شباهتهایی با پنج تن از پیامبران دارد... اما شباهت او به جدّ خود (پیامبر اکرم) قیام با شمشیر است و کشتن دشمنان خدا و پیامبر، و جباران و سرکشان، ...^۱

از کارهای حتمی امام موعود (عج) جنگ با تمام انسانهای ظالم و خون آشام است. با مطالعه تاریخ بشری، این واقعیت آشکار می شود که موانع رشد و پیشرفت انسان جز با قدرت و خونریزی از سر راه برداشته نمی شود و تعالیم اخلاقی و اصول تربیتی هر چند تأثیرهای فراوانی داشته است، لیکن این تأثیرها در برخی افراد نجیب انسانی بوده است و در طبقه زورگو، دنیادوست و ظالم که منابع قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی جامعه ها را در دست می گرفتند، هیچ تأثیری نداشته است، و آنها را به راه نیاورده است. برای تربیت و هدایت آنها باید از روش دیگری استفاده کرد، تا سدّ راه انسانها نشوند و راه رشد را بر مردم نبندند. تا تمام مردم بتوانند بدون هیچ مانعی به زندگی خویش ادامه دهند. به همین دلیل، مسأله جنگ و کاربرد نیرو به عنوان یک ضرورت، برای رسیدن به هدفهای انسانی مطرح می گردد. و جز از این راه نمی توان ظالمان، ستمگران و دنیاطلبان را سر جای خود نشاند و امنیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را در جامعه برقرار کرد، و جامعه را برای تلاش و کوشش آزادانه افراد آماده ساخت.

تاریخ پیامبران نیز پُر است از جنگ و مبارزه با ستمگران و طاغوتیان، و همیشه رهبران انسان و دوستداران بینوایان و بیچارگان با آنان که راه باطل می‌رفته و به انسانها ظلم می‌کردند، مبارزه کرده‌اند. پیامبر اکرم (ﷺ) که کانون رحمت و در بالاترین مقام اخلاق انسانی است نیز برای مبارزه با کفار و ستمگران، ۸۳ جنگ انجام داد. امام علی و امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) نیز در راه حق و نجات جامعه از بیدادگری، جنگ کردند.

امام مهدی (عج) نیز که ادامه‌دهنده راه انبیاء و پیامبر اکرم و امامان است، برای برپایی عدالت و هدفهای بزرگ انسانی، راهی جز مبارزه و جنگ و سرکوب ستمگران و سرمایه‌داران ندارد. شمشیر آن امام بر سر مجرمان فرود می‌آید و در آن دوران راه فراری ندارند و در زیر سایه شمشیر امام مهدی (عج) است که انسانهای درد کشیده و رنج دیده به آسایش و زندگی دست می‌یابند. شمشیر امام موعود برای ستمگران مرگبار است و برای بیچارگان و مظلومان پناهگاه و پشتیبان.

۳. یک دین و یک آئین

امام صادق (علیه‌السلام):

... مفضل! سوگند به خدا، [امام قائم (عج)] از میان ملتها و آئینها اختلاف را برمی‌دارد، و یک دین بر همه حاکم می‌گردد...^۱

برای تشکیل جامعه‌ای واحد، یک موضوع ضروری است و آن یک

آئین و یک اعتقاد است. آئینها و اعتقادهای گوناگون، به طور قطع، تفرقه و دوگانگی اجتماعی به وجود می آورد و مانع وحدت و یگانگی مردم می گردد.

اگر برنامه ریزیهای اجتماعی، از طرز فکرها و مرامهای گوناگون گرفته شده باشد، فعالیتهای انسانی را در زمینه های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... مختلف و متضاد می سازد و مانع یکسانی و یگانگی جامعه می گردد. بنابراین، تنوع و گوناگونی راهها و عقیده ها موجب اختلافها و تضادها و برخوردهایی در جامعه می شود، که در این شرایط نمی توان تشکیل جامعه ای واحد و یگانه را انتظار داشت. بنابراین، باید آئین و دین واحدی بر جامعه حاکم باشد، تا امت واحد به معنای واقعی به وجود آید.

در دوران ظهور و روزگار دولت امام مهدی (عج) آئین واحدی بر جهان حاکم می گردد و راه و روشها نیز یکی می شود؛ و یگانگی واقعی در عقیده و مرام انسانها پدید می آید؛ و مردمان همه یک دل و یک زبان به سوی سعادت حرکت می کنند. دیگر دوگانگی و تضاد در مرامها و عقیده ها وجود ندارد، راه و روشها یکی و هدفها نیز یکی است. همچنان که در برنامه های زندگی اجتماعی نیز اختلافی دیده نمی شود.

امام مهدی (عج) با چنین اصلی اساسی در ساختن جامعه یگانه بشری به موفقیتی بزرگ و چشمگیر دست می یابد، و همه علتها و عوامل ناسازگاری و درگیری را از بین می برد، و ناسازگاریها و اختلافهای اجتماعی را که از اختلافهای عقیدتی و دینی به وجود می آیند، نابود می سازد، و با یکی کردن عقیده ها و ایدئولوژیها، راه هرگونه اختلافی را می بندد. او وحدتی واقعی را بر اساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می ریزد، و

همه انسانها را در زیر شعار یگانه و دین واحد گرد می آورد.

۴. رفاه اقتصادی و بهبود زندگی

پیامبر اکرم (ﷺ):

در امت من مهدی قیام کند... و در زمان او مردم به نعمتهایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. [همه] نیکوکار و بدکار. آسمان بر آنان بیارد و زمین چیزی از رویدنیهای خود را پنهان ندارد.^۱

از برنامه ها و اقدامهای امام مهدی (عج)، پدید آوردن رفاه و آسایش در کل جامعه بشری است. در این دوران، جامعه بشری واحدی تشکیل می گردد که در آن همه مانند خانواده ای در کنار هم زندگی می کنند. تقسیم بندی جامعه های پیشرفته و جامعه های محروم و عقب مانده از بین می رود و همه جامعه ها و انسانها به رشد و رفاه دست می یابند. همچنین، ابرقدرتها وجود نخواهند داشت، و بهبود زندگی و بی نیازی اقتصادی نصیب همه انسانها می شود و همه جایی و همگانی می گردد. این آسایش موجب رشد و برتری معنوی و فکری انسان می شود.

امام مهدی (عج) برای رسیدن به این هدف بزرگ انسانی، از روشها و عوامل مختلفی استفاده می کند تا به زندگی انسانها سر و سامان ببخشد و همه مشکلات را از میان بردارد.

الف - برقراری عدالت اجتماعی :

عدالت اجتماعی، که در بخش اول به آن اشاره شد، به معنای تعادل و همسانی در کلیه جریانهای اقتصادی جامعه است. در پرتو چنین عدالتی، فاصله های اقتصادی از میان می رود و دیگر افراد فراوانی تهیدست و محروم، و افراد اندکی سرمایه دار، یافت نمی شود.

ب - اجرای اصل مساوات :

رعایت قاطع اصل مساوات نیز، موجب تساوی ثروتها و برابری در بخش کالاها و مواد مورد نیاز همه مردم می شود و مانع جمع شدن و تراکم و اسرافکاری گروهی از مردم می گردد و زمینه های کمبود و نیازمندی را برطرف می سازد.

ج - عمران و آبادی زمین :

از دیگر عوامل، عمران و آبادانی و بهره برداری از امکانات تا حد امکان می باشد. در دوران پیش از ظهور، با همه پیشرفتهای علوم، از همه زمینهایی که قابل استفاده و کشاورزی هستند و آبهایی که می شود آنها را ذخیره نمود و امکانات و ... بهره برداری صحیح نشده است. در بعضی مناطق به علت نفوذ استعمار و وابستگی و محرومیت از امکانات استفاده نشده است. اما در دوران ظهور، از تمام زمینها و آبها استفاده خواهد شد و تمام زمین آباد و سبز و خرم خواهد گشت.

د- بازپس گیری ثروت‌های غصب شده:

از دیگر اقدام‌های امام مهدی (عج) این است که با از میان برداشتن طاغوتان و زورگویان، سرمایه‌ها و ثروت‌های آنان را که از راه‌های نامشروع و نادرست به دست آورده‌اند، از آنها بازپس می‌گیرد و آنها را در راه آسایش و رفاه جامعه و تمامی مردم به کار می‌برد و همه محرومان و تهیدستان را از این اموال بهره‌مند می‌سازد.

ه- کنترل و نظارت دقیق مرکزی:

امام مهدی (عج) برای رسیدن به نظم اجتماعی و رفاه اقتصادی، کنترل و نظارت دقیقی بر حاکمیت مرکزی جهان خواهد داشت و با تشکیل یک مرکز، تمام منابع ثروت و درآمد جامعه را بدون هیچ گونه فرقی در اختیار کل افراد بشر قرار می‌دهد و همه امکانات را به تساوی تقسیم می‌کند. و با این کنترل دقیق عوامل اصلی فقر و محرومیت - که دولتهای ظلم و کفر و سرمایه‌داران هستند - از میان می‌رود. در آن دوران این طور نخواهد بود که بخش‌هایی از جامعه عقب مانده و فقیر و بخش‌هایی ثروتمند باشند و گروهی بی‌سواد و مریض و بدون بهداشت و گروه دیگر در حد بالای خدمات بهداشتی و رفاهی.

۵. مساوات و برابری

امام باقر (علیه السلام):

امام قائم [اموال را] برابر تقسیم می‌کند و میان [همه] مردم

- نیکوکار و بدکار - به عدالت رفتار می نماید...^۱

یکی از برنامه های امام مهدی (عج) اجرای اصل مساوات است. اسلام دین مساوات و برابری است؛ مساوات در مسائل گوناگون و زمینه های مختلف؛ تا جایی که اسلام به دین مساوات مشهور شده است. امام مهدی (عج) این برابریها و مساوات را در جامعه بشری اجرا خواهد کرد.

انسانها در آفرینش مساوی اند و دارای نیازهای طبیعی همانند و ارزشی یکسان و برابر می باشند. هیچ یک از ویژگیهای طبقاتی موجب تفاوت و نابرابری انسانها نمی شود. آنها در برابر قانون، حقوقی یکسان و همانند دارند و هیچ فردی در برابر قانون بر دیگری برتری و امتیاز ندارد. سیاه و سفید، کارگر و کارفرما، تهیدست و ثروتمند، بزرگ و کوچک، عالم و جاهل و ... همه در برابر قانون برابرند.

تمامی انسانها حق استفاده و بهره برداری یکسان از بخششهای طبیعت را دارند، و باید مراتع، جنگلهای، رودها و دریاها و سایر منابع ثروت در اختیار همگان قرار گیرد تا هر کس بتواند با کوشش و زحمت خود از آنها استفاده نماید، زیرا اینها سفره گسترده ای است که خداوند برای همه انسانها قرار داده است.

بخش مهم دیگر، تساوی و برابری انسانها در استفاده از بیت المال می باشد. بیت المال، که مجموعه امکانات و اموال عمومی می باشد و دولتها آنها را در اختیار می گیرند، در دوران ظهور نزد امام قرار می گیرد.

امام آن را برای رفاه مردم هزینه می کند و در راه رفع نیازهای عمومی به کار می برد. اضافه بر این اموال، از سرمایه های طبیعی نیز استفاده می کند و منابع و معادن را استخراج می نماید و همه این سرمایه ها و امکانات را صرف عموم مردم می کند.

در دوران ظهور و حکومت جهانی اسلام، انسانها در تمام این مسائل مساوی و برابر خواهند بود، و از بخششهای الهی و مواد طبیعی به طور مساوی استفاده خواهند کرد. بیت المال برای همگان به طور یکسان صرف خواهد شد، ... هیچ قدرت و مقام سیاسی یا اجتماعی موجب برتری نمی شود و هیچ کس نمی تواند به امکانات بیشتری دست یابد. حتی تقوا نیز موجب برتری و دست یافتن به لوازم بیشتری در زندگی نمی گردد.

۶. حاکمیت فراگیر جهانی

پیامبر اکرم (ﷺ):

... سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، آن روز را خداوند می گستراند تا فرزندانم مهدی قیام کند. پهنه زمین به نور او روشن گردد و حکومت او شرق و غرب گیتی را فرا گیرد.^۱

از برنامه های امام مهدی (عج) حکومت فراگیر جهانی است، که در آن همه جوامع از یک مرکز پیروی می کنند و با یک سیاست و برنامه اداره می شوند. در آن دوران جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تشکیل

می شود، و دوستی و محبت سراسر آبادیها را فرا می گیرد، و آرزوی همه پیامبران، امامان و مصلحان و انسان دوستان تمام دوران تاریخ برآورده می شود.

تاکنون چون ستمگران و طاغوتان در جامعه بشری حکومت می کرده اند، ستیزه ها و اختلافها به وجود آمده است و زمین، این خانه انسانها، بخش بخش گردیده و به قسمتهای بزرگ و کوچک تقسیم شده است و این موجب فاصله مردم از یکدیگر و حتی موجب جنگ و برادرکشی نیز گشته است. چون این قدرت طلبان هستند که مردم را به جنگ و خونریزی می کشانند و آنان را در مقابل یکدیگر قرار می دهند و مهر و محبتهای انسانی را که هر انسانی نسبت به انسان دیگر دارد، به کینه جویی و انتقام کشی تبدیل می کنند.

در دوران ظهور حضرت مهدی (عج)، با به وجود آمدن یک دولت در تمام زمین و مدیریت واحد؛ دیگر از اختلافها، جنگها، خونریزیها و... نشانی نخواهد ماند، و انسانها همه با هم برادر و برابر خواهند گشت. محبتهای انسانی دیگر بار در دلها زنده می شود و انسانها به یکدیگر کمک خواهند نمود. توانمندان دست ناتوانان را می گیرند و مشکلات آنها را حل می کنند. دیگر کسی به کشور دیگری حمله نخواهد کرد و حقوق دیگران را پایمال نخواهد کرد. در این دوران همه انسانها همانند افراد یک خانواده خواهند بود و روابط مردمان بر پایه محبت و دوستی قرار می گیرد، و این موضوع بسیار مهم را، نجات دهنده بزرگ انسانها امام موعود (عج) انجام خواهد داد؛ و چهره زندگی را زیبا و دوست داشتنی خواهد ساخت.

۷. حکومت مستضعفان

امام علی (علیه السلام):

ایشان (مستضعفان میراث بر زمین)، خاندان پیامبرند، که خداوند پس از سختیها، مهدی ایشان را برانگیزد، و به آنان عزت بخشد و دشمنانشان را خوار سازد.^۱

از برنامه های اصلی امام مهدی (عج) تشکیل دولت مستضعفان و محرومان است. مستضعفان کسانی اند که توسط زورمندان ضعیف نگهداشته شده اند و حقوق آنان پایمال شده است. در دوران ظهور، هنگامی که ظالمان و زورمندان کنار گذاشته شدند، مانع راه مستضعفان برداشته می شود و همه کارها به دست افراد و طبقات محروم سپرده می شود. بنابراین، تهیدستان هستند که بر جامعه حکومت می کنند و جامعه را اداره می نمایند. دیگر از ستمگران و اشراف و حکومتهای ظالم خبری نیست.

این هدف تمام پیامبران و انسانهای بزرگ بوده و اسلام نیز، چنین هدفی داشته است. پیامبر (ﷺ) و امامان ما همه در راه رسیدن به چنین هدفی گام برداشته و سختی کشیده اند و حتی در این راه به شهادت رسیده اند.

در طول تاریخ، همیشه ستمگران و ظالمان و جباران، مردمان تهیدست و مستضعف را به بردگی می کشیدند و آنها را به کارهای سخت مجبور می کردند و حقوق و دسترنجشان را ضایع می کردند. همیشه چنین افرادی وجود داشته اند، که دیگران را تحقیر می کردند و آزادی آنان را سلب

می نمودند و مانع رشد و ترقی آنها می گشتند، و مانع اجرای قانون و عدالت می شدند.

در تمام این دوران انسانهای بزرگ به کمک محرومان و تهیدستان می آمدند و با زورگویان و ظالمان به مبارزه می پرداختند، لیکن در هیچ دوره ای پیروزی همگانی و همه جایی پدید نیامد، و اگر در دورانی؛ حکومتی برای محرومان و زیردستان تشکیل شد، با نیرنگ، جنگ و خونریزی ستمگران و سلطه طلبان مواجه گردید و پس از مدتی شکست خورد.

اما در دوران حاکمیت امام موعود (عج)، آن انسان بزرگ تمام آیین پیامبران و امامان و مصلحان بشری را اجرا خواهد کرد. حکومت در دست مستضعفان قرار خواهد گرفت، و عدالت مطلق اجرا خواهد شد. دیگر ظالم و ستمگری وجود نخواهد داشت تا مظلوم و ستمدیده ای وجود داشته باشد؛ و زورگویی وجود ندارد که مردمان را به زیر سلطه خویش درآورد. طبقات اجتماعی از بین خواهد رفت، همه افراد برادروار زندگی کرده و زندگیهای نزدیک به هم خواهند داشت و همه افراد به فکر محرومان و مستضعفان خواهند بود و همه مردم به نیازهایشان خواهند رسید.

۸. رشد علم و فرهنگ

امام باقر (علیه السلام):

در زمان حکومت مهدی، به همه مردم، حکمت و علم بیاموزند، تا آن جا که زنان در خانه ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر، قضاوت کنند.^۱

از آغاز تاریخ، انسان به کارهای فرهنگی و علمی پرداخته و تجربه‌ها و دانشهایی به دست آورده است که در میان این آموخته‌ها، آموزشها و دستورات پیامبران جایگاهی ویژه دارد. یکی از اصول و هدفهای اصلی انبیا، گسترش علم و دانایی است. آنان انسانها را به فراگیری علم در تمام زمینه‌ها دعوت کرده‌اند؛ از شناخت خود تا شناخت خداوند و از شناخت کوچکترین ذره تا شناخت جهان هستی.

در سایه این دستورات، انسان به تفکر و تعقل پرداخت و در هر رشته از علوم به مسائل جدیدی رسید و علوم گسترش فراوانی یافت و بدین گونه تا قرن حاضر پیش آمد. این علوم و دانشها اهمیت زیادی دارند و بسیاری از مشکلات انسانها را حل می‌کنند و وسایل زندگی بهتر را پدید می‌آورند، و انسان در همه بخشهای زندگی خود از آنها استفاده‌های فراوانی می‌برد. لیکن این پیشرفتهای بیشتر در مسائل مادی جهان و زندگی مادی انسان بوده و در بُعد معنوی چنین پیشرفتهایی نبوده است. در همان مسائل مادی نیز انسان به تمام مسائل پی نبرده است؛ و برای او مجهولات و ناشناخته‌های فراوانی وجود دارد که از شناختها و داناییهای او بسیار گسترده‌تر است.

متخصصان رشته‌های گوناگون علوم بشری به دانشها و معلومات اندک خود اعتراف دارند. و چنین می‌گویند که دانش ما در برابر مجهولات و ناشناخته‌ها چون قطره‌ای است در برابر دریا. لیکن چون هدف از خلقت انسان رشد و کامل شدن شناخت و دانش اوست، باید روزی این هدف به واقعیت برسد و دیگر مجهولی برای انسان باقی نماند.

در دوران ظهور امام مهدی (عج) که همه آرمانها و اهداف انسانی و الهی به حقیقت می‌پیوندد، دانش و شناخت انسانها نیز کامل می‌شود. در آن

دوران تمام ناشناخته ها، شناخته می شود و دیگر مجهولی در هیچ یک از علوم و دانشها باقی نخواهد ماند. امام مهدی (عج) از حقایق مادی و معنوی پرده برمی دارد و همه را برای انسانها آشکار و روشن می سازد؛ و انسانها را همراه با تکامل علوم مادی در علوم معنوی و خداشناسی نیز به تکامل می رساند؛ و از جامعه های انسانی که در جهل و نادانی به سر می برند، جامعه هایی آگاه، بینا و دانا می سازد.

۹. امنیت اجتماعی

امام صادق (علیه السلام):

در تفسیر آیه شریفه «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند... وعده داد که به یقین در روی زمین ایشان را خلیفه کند... و وحشتشان را به امنیت بدل سازد،...»^۱ می فرماید: این آیه درباره [امام] قائم و یارانش نازل شده است.^۲

امنیت اجتماعی باید در بخشهای گوناگون زندگی اجتماعی - یعنی بخشهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - پدید آید. امنیت اجتماعی زمینه ساز فعالیتهای درست و صحیح فردی و گروهی است. در محیطهای امن و آرام است که روابط اجتماعی بر قوانین استوار است، چیزی جای حق را نمی گیرد، و حقوق افراد کاملاً رعایت می شود.

با امنیت اجتماعی، قانون بر جامعه حکومت می کند و مانع زورگویی و تجاوز می گردد. منافع همه مردم تأمین می شود، و افراد قدرتمند

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۴۰.

۱. نور (۲۴)، آیه ۵۵.

نمی‌توانند به دیگران ظلم و ستم کنند. همچنین بالاترین مقامات جامعه نمی‌توانند به زیردستان زور بگویند. سرمایه‌داران بر جامعه تسلط ندارند و سرنوشت تهیدستان در دست آنان نیست.

در جامعه امن، حوادث و پیشامدها موجب نگرانی مردم نیست، زیرا دولت افراد را تأمین و خسارتهای آنان را جبران می‌کند.

در اجتماع امن و آرام، هر کسی که سخن حق و حرف درستی داشته باشد بدون هیچ ترس و بیم آن را بر زبان می‌آورد و نظر خود را می‌گوید، و همه در مسائل اجتماعی دارای رأی مساوی هستند و سرنوشت جامعه در دست همه مردم است. قانون حق و عدل، یعنی قانون خدایی، راهبر و راهنمای کل جامعه است.

در اجتماعی که امنیت وجود دارد، محصول کار و کوشش مردم نصیب خودشان می‌گردد و ثمره تلاششان را دریافت خواهند کرد. دیگر کسی نمی‌تواند ثمره تلاش و کوشش دیگران را از آن خود کند.

امام مهدی (عج) امنیت اجتماعی به وجود می‌آورد؛ امنیتی که بشریت تاکنون مانند آن را ندیده است. او نگرانی و ترس را نابود می‌کند، و همچنین کسانی را که در جامعه ایجاد نگرانی و ترس می‌کنند، کنار می‌زند.

او قانون و عدل را اجرا می‌کند و احترام به حقوق و ارزش انسان را در روابط اجتماعی استوار می‌سازد. در آن دوران چون امنیت وجود دارد و هیچ کس از کسی دیگر نگرانی و ترس ندارد، انسانها به یکدیگر نزدیک می‌شوند. دوستی و مهربانی جای دشمنی و کینه‌توزی را می‌گیرد، رقابت انسانها سالم و انسانی می‌گردد، و رشد اقتصادی در همه بخشهای جامعه آشکار می‌گردد.

۱۰. رشد تربیت انسانی

امام باقر (علیه السلام):

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند قوای فکری مردمان را
تمرکز دهد... و اخلاق آنان را تکامل بخشد.^۱

یکی از برنامه های امام مهدی (عج)، رشد تربیتی و بلوغ روحی
انسان است. انسان که جزء اصلی تشکیل جامعه صالح و سالم است، محور
اصلی برنامه ریزیها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه می باشد. انسان
برای اصلاح جامعه و تشکیل اجتماعی سالم باید نخست، اصلاحات و
تحولات را از درون خود آغاز کند، زیرا تمام مسائل اقتصادی، سیاسی،
جنگ، صلح، نظم، بی نظمی، نیکی، زشتی و... در اجتماع به انسان
مربوط است. پس انسان با ایجاد انقلابی در درون خود می تواند در جامعه
نیز انقلاب و تحول به وجود آورد.

در هر جامعه ای بهترین برنامه ها و قوانین باید به دست بهترین و
شایسته ترین افراد و مجریان اجرا شود. به همین دلیل، ساختن انسان و
پرورش و رشد افرادی انسان و صالح مقدمه اصلی برای تشکیل هر نظام
صالح و انسانی است.

امام مهدی (عج) نخست به تربیت انسانها می پردازد تا سایر
برنامه های اجتماعی خود را به شایستگی انجام دهد. و عدالت، دادگری،
قانون شناسی، دیگر دوستی، ایثار و... را در سطح جامعه پایدار سازد.

کینه توزی، خوی و خلقی شیطانی است و از پایین بودن سطح فرهنگ انسانی سرچشمه می گیرد. با رشد تربیت و تکامل عقل، کینه ها به محبت و دوستی تبدیل می شود و انسان دوستی در روابط اجتماعی استوار می گردد. ثروت پرستی و مال اندوزی، پدیده ای روحی و باطنی است. انسانها نخست، در باطن حریص و ثروت پرست می شوند، آن گاه در خارج به اموال دیگران تجاوز می کنند و به ظلم و ستمهای اقتصادی دست می زنند. این مشکل بزرگ (مال دوستی) در تمام دورانها وجود داشته و خواهد داشت. این بیماری باطنی و روحی انسان، تا از درون انسان درمان نگردد، به کار بردن شیوه ها و روشهایی از بیرون، برای جلوگیری از آن، نتیجه چندانی ندارد، و اگر داشته باشد درازمدت و پایدار نیست. تجربه های پیاپی و مکرر تاریخ نشان داده است که همه نابسامانیها و ناتوانیها در کار جامعه سازی به دلیل آن است که سرچشمه آلودگی نادیده گرفته شده و محور اصلی فراموش گردیده و به تربیت روح و باطن انسان توجه نشده است.

اما در دوران ظهور امام مهدی (عج) به این مشکل اساسی توجه می شود و روح و روان مردم تربیت می گردد و صفات پست و ناپسند روحی و باطنی انسانها از بین می رود. همین است که آن انقلاب مانند دیگر انقلابها شکست نخواهد خورد و به پیروزی نهایی خواهد رسید و پایدار خواهد ماند.

۱۱. سامان یابی زندگی

امام حسین (علیه السلام):

در خاندان ما دوازده مهدی است... آخر آنان نهمین فرزند

من است که به حق قیام کند، و خداوند زمین مرده را به دست او
زنده کند...^۱

انسان دارای دو گونه حیات و زندگی است: حیاتی انسانی و حیاتی حیوانی، که تفاوتی بسیار میان این دو گونه حیات وجود دارد. انسان در حیات و زندگی حیوانی خود دارای تغذیه، رشد و تولیدمثل است؛ و در این سه موضوع با همه موجودات زنده مشترك می باشد؛ زیرا از کوچکترین موجود زنده تا بزرگترین و پیچیده ترین آنها، در این سه، همانند و همسانند. اما حیات اصلی انسان، حیات باطنی و زندگی روحی و عقلانی اوست و این حیات است که عالم انسان را از عالم حیوانات و موجودات زنده جدا می سازد، و این حیات و زندگی به انسان برتری و امتیاز می بخشد. در زندگی مادی، بسیاری از حیوانات از زندگی استوارتر، طولانی تر و آسیب ناپذیرتر برخوردارند. حیواناتی که دهها سال زندگی می کنند و تغذیه ای چندین برابر افراد انسانی دارند، و کمتر دچار بیماری و کاهش و فرسایش می گردند و قدرت و توانایی بیشتر از انسان دارند، و اگر قدرت بدنی ملاک برتری باشد، این گونه حیوانات از انسان برترند. بنابراین، ارزش و عظمت حیات انسانی، به حیات باطنی و معنوی و عقلانی اوست.

آدمی در طول تاریخ و دوران زندگی، از حیات انسانی خود چندان بهره و استفاده ای نبرده است، و جز سالیان اندک و در دوره هایی بسیار کوتاه، انسانی نزیسته و حیات فردی و اجتماعی انسانی نداشته است. در این دوران، حیات انسانی و انسانیت انسان مرده بوده است.

از حیات انسانی که بگذریم، در کدام دوره از دورانهای تاریخ و کدام تمدن و جامعه‌ای همه انسانها درست تغذیه شدند و خوراک کافی در اختیار داشتند، و فرزندانشان زمینه رشد یافتند و در کجا مسائل مادی آنان حل شد. در قرن حاضر که اوج شکوفایی تمدنهای ظاهری بشری است، کجا وسایل و ابزار زندگی مادی، برای همه انسانها و در همه اجتماعات فراهم شده است؟ آمارها، از گرسنگی‌های پنهان و آشکار اکثریت قاطع بشریت و سیری و پُر خوری اقلیتها، پرده برمی‌دارد.

در طول تاریخ، از برخی دوره‌های گذرا و کوتاه حکومتهای پیامبران و دوران حکومت پیامبر اسلام (ﷺ) و چهار سال خلافت امام علی (علیه السلام) که بگذریم، انسان همواره در اثر ظلم و بی‌عدالتی و فساد و تباهیهای مادی و معنوی از نعمت حیات شایسته محروم بوده است.

زمین نیز دچار مرگی وحشتبار شده است، زیرا مرگ و حیات زمین ارتباط مستقیم با مرگ و حیات ساکنان آن دارد؛ یعنی انسانها و انسانیتها، و گرنه حیات زمین بدون توجه به اهل آن، در این دوران، رشد ویژه و چشمگیری یافته است، مزارع آباد شده و منابع استخراج گردیده است و از دریاها و فضا و جو و ... نیز استفاده‌ها گردیده است.

اکنون برای این که مقصود از حیات در بُعد انسانی آن به خوبی روشن گردد و مرگ انسانیتها بهتر لمس شود، ویژگیهای انسانها و اجتماعات را در دوران پیش از ظهور می‌آوریم تا مشخص شود که امام مهدی (عج) با چه راه و روشهایی می‌جنگد و چه برنامه‌ها و اصولی را جایگزین آنان می‌کند.

الف - گسستن روابط انسانی:

گسستن و پاره شدن پیوندهای انسانی، از پدیده‌های ویرانگر پیش از

ظهور است. در این روزگاران پیوندهای اجتماعی استواری وجود ندارد و در زندگی انسانها حق و عدل جایگاهی ندارد. به ظاهر، انسانها در کنار یکدیگر و در یک آبادی یا اجتماع زندگی می کنند، لیکن دلها و فکرها با هم و در کنار هم نیست و میان آنها همدلی وجود ندارد.

ب- گسستن روابط خانوادگی:

در این دوران، خانواده - به عنوان هسته اصلی اجتماع - دچار تزلزل و سستی می گردد و پیوندهای خانوادگی گسسته و سست می شود. مرد حقوق زن و زن حقوق مرد را رعایت نمی کند. فرزندان احترام پدران و مادران را ندارند، و مادران و پدران مسؤولیت تربیت فرزندان را از یاد برده اند.

ج- انگیزه های غیرانسانی در روابط اجتماعی:

در این دوران انگیزه های روابط اجتماعی، انگیزه های الهی و انسانی نیست. محبتها و دوستیها واقعی نیست. عشق و علاقه واقعی وجود ندارد. دوستیها براساس مسائل پوچ و زودگذر است. رابطه ها برای دستیابی به فساد و آلودگی و خوشگذرانی می باشد. یگانگیها زبانی و ظاهری می باشد، و در باطن بیگانگی و دوری است.

د- روابط سودجویانه:

انسان، در ارتباط با انسان دیگر، به سود و سرمایه می اندیشد، و با همین انگیزه به میدان پیوندهای اجتماعی وارد می شود. در صورتی که سود مادی در کار باشد با هر انسانی رابطه برقرار می کند. طبقات اجتماعی هر کدام به نوعی تلاش می کنند تا حق دیگران را ضایع کنند و با کار و تلاش

دیگران، بر ثروت خود بیفزایند. جامعه انسانی به جنگلی از حیوانات تبدیل می‌گردد، که در آن مردمان مثل گرگهایی به جان هم افتاده و حکومتها درندگان هستند که به جان ملتها افتاده‌اند، و هر کسی دیگری را برای منافع خود می‌خواهد.

هـ- نابودی عبادات:

در دوران پیش از ظهور، عبادت و پرستش خدای بزرگ، چنان که شایسته است انجام نمی‌شود. اکثر انسانها در مادیات و دنیا غرق شده‌اند و به هدف خلقت خویش نمی‌اندیشند. توجه ندارند که روزی به سوی خدا باز می‌گردند و در این دوران کوتاه زندگی باید راهی به او بجویند و خود را آماده سفر به سوی خداوند سازند.

اینها اندکی از مسائل و ویژگیهای اجتماعات در دوران پیش از ظهور می‌باشد. امام مهدی (عج)، آن نجات‌دهنده بشریت، همه این عوامل و راه و روشهای ناپسند و ویرانگر را نابود می‌کند و اصول و آرمانهای حیات بخش را جایگزین این امور می‌سازد.

۱۲. روش زندگی امام موعود (عج)

امام صادق (علیه السلام):

به چه جهت درباره خروج قائم عجله دارید؟ به خدا سوگند، او جامه‌ای درشت می‌پوشد، و خوراک خشک و ناگوار می‌خورد...^۱

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳.

امام مهدی (عج) مانند همه پیامبران، بسیار ساده زیست است. لباسهای درشت و کم بها می پوشد، و خوراك خشک و ناگوار می خورد. اهل آسایش و تن آسایی نیست. چون سایر پیامبران، از هرگونه تعظیم و بزرگداشت و ستایش پرهیز دارد. او به معنای واقعی زاهد است و جز به ضروریات زندگی تن نمی دهد، و در سطح پایین ترین طبقات، بلکه دشوارتر از آنان زندگی می کند.

امام مهدی (عج) زاهدترین و عابدترین مردمان است. با ظهور او دیگر بار اخلاق و رفتار پیامبر و امامان آشکار می شود. او تجلی دوباره زندگی پیامبر اکرم (ﷺ) و امام علی (علیه السلام) و سایر امامان است. لباس و خوراك و خانه و کاشانه او یادآور لباس و خوراك و خانه کوچک و بی نهایت ساده پیامبر (ﷺ) و امام علی (علیه السلام) است. آری! رهبری جامعه انسانی باید چنین باشد. آنان که زندگیهای مرفه و آسوده دارند و با شادی زندگی می کنند. در کاخها سکونت دارند و دم از آسایش خلق و توده های مردم می زنند، ادعایی پوچ و پوک دارند و سخنی یاوه می گویند.

امام موعود (عج) چون نیاکان خویش به هر کس هرچه خواست می بخشد و کسی دست خالی از نزد او باز نمی گردد، و به جز خدا و رضای او به چیز دیگری نمی اندیشد. و در برابر زحمتهای و کوششهایی که برای مردم می کشد، پاداشی در نظر ندارد و حتی ستایش و تشکری نمی خواهد. امام مهدی (عج) که داعی حق و گسترنده عدل است، ذره ای در احوال شخصی پای از حد و مرز عدالت بیرون نمی گذارد. او نخست «عدل» را در درون خود پیاده کرده است، و سپس به پیاده کردن آن در جامعه و جهان دست می زند.^۱

۱. این بخش با الهام از کتاب عصر زندگی نوشته شده و برگرفته ای از آن است، با تغییرات مناسب برای نوجوانان و جوانان.

فهرست منابع

- قرآن
- نهج البلاغه
- او خواهد آمد، داود الهامی و علی اکبر مهدی پور، نشر مرتضی، چاپ هشتم.
- اوستا
- بحار الانوار، علامه مجلسی، مکتبه الاسلامیه، تهران، جلد های ۵۱، ۵۲ و ۵۳.
- برادران کارامازوف، فنودور داستایفسکی، ترجمه: رامین مستقیم، انتشارات گلشایی، چاپ اول.
- «بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی»، استاد علامه محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم ۱۳۷۸.
- بینوایان، ویکتور هوگو، ترجمه: حسینعلی مستعان، انتشارات امیرکبیر، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- تهذیب، شیخ طوسی، دارصعب و دارالتعارف للمطبوعات، ج ۶.
- عصر زندگی، محمد حکیمی، چاپ دوم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- عهدین (تورات و انجیل).
- غیبت نعمانی، ابراهیم نعمانی، مکتبه الصدوق، تهران.
- فصول نصیری، خواجه نصیرالدین طوسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- کتاب هفته، شماره ۱۰.

- کمال الدین، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیه - ۱۳۹۵ هـ.ق - جلدهای ۱ و ۲.
- مجمع البیان، شیخ طبرسی، شرکت معارف اسلامی، ج ۷.
- مکیال المکارم، میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی، مطبعة العلمية، قم ۱۳۹۸ هـ.ق.
- منتخب الاثر، لطف الله صافی، مرکز نشر کتاب، تهران ۱۳۸۵ هـ.ق.

از مجموعه آینده‌شناسی و انتظار:

امام مهدی (عج) و آینده‌زندگی (۱)

منتظر، چشم به راهی فریادگر!!! (۲)

امام مهدی (عج) - طول عمر - (۳)